

چهره زیبای اسلام

چهره زیبای اسلام

اسلام دین:

- 1- دین احسان و نیکوکاری است
 - 2- دین تعاون و همکاری است
 - 3- دین احترام به والدین است
 - 4- دین حفظ شخصیت فرزندان است
 - 5- حفظ عزت افراد است
 - 6- دین رعایت حقوق مردم است
 - 7- دین حفظ سلامتی و تدرستی است
 - 8- دین داشتن یک زندگی متوسط است
 - 9- دین بهره مند شدن همه مردم از لذات مشروع مادی است
 - 10- دین رعایت حقوق همسر است
 - 11- دین استفاده از بهترین فناوری هاست
 - 12- دین صله رحم است
 - 13- دین سخاوت و بخشندگی است
 - 14- دین برابری نژادی است
 - 15- دین نشاط و شادابی است
 - 16- دین علم و دانش است
 - 17- دین ازدواج است
 - 18- دین آزادی مشروع است
 - 19- دین مالکیت افراد بر اموالشان است
 - 20- دین توبه و رحمت است
 - 21- دین حفظ اسرار شخصی است
 - 22- دین صلح و صفاست
 - 23- دین شجاعت و غیرت و عفو و گذشت است
 - 24- دین عدالت است
- و اسلام دین بهترین هاست.
پس بیایید تا این دین را بهتر بشناسیم.

چهره زیبای اسلام

****از جمله ویژگیهای اسلام آنست که این دین، دین دنیا و آخرت است فقط دین آخرت نیست. بلکه برای دنیا توصیه کرده از بهترین و جدیدترین ابزارها و امکانات استفاده گردد.**

دلیل برای مطلب فوق سیره عملی و توصیه های کلامی بزرگان دین از جمله پیامبر اعظم ص وائمه ع می باشد.

استفاده از مواهب زندگی

«آمده است که سه نفر زن نزد پیامبر اسلام (ص) آمدند. یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی خورد! دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند! سومی گفت: شوهرم با زنش نزدیکی نمی کند.

رسول خدا (ص) از خانه بیرون رفت و از روی غضب عبای خود را بر زمین می کشید. وقتی وارد مسجد شد، بر منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: چرا عده ای از اصحاب من گوشت نمی خورند و بوی خوش استعمال نمی کنند و نزدیک زنان نمی روند؟ من گوشت می خورم. بوی خوش استعمال می کنم و بنزد زنان می روم و هر که سنت مرا عمل نکند از من نیست.»

خوراک

«یونس بن بکر می گوید: امام رضا (ع) به من فرمود: چرا رنگت زرد شده است؟ گفتم: کسالتی عارضم گشته است. فرمود: گوشت بخور! من هم گوشت خوردم. پس از یک هفته، حضرت مرا به همان حال سابق دید. فرمود: مگر نگفتم گوشت بخور؟ عرضه داشتم. من از آنروزی که شما امر فرمودید، چیزی جز گوشت نخوردم! فرمود: چگونه خوردی؟ گفتم: بصورت پخته! فرمود: کباب کن و بخور! - من هم چنین کردم. - بعد از یک هفته امام بدنبال من فرستاد. من خدمت آقارفتم، در حالیکه خون بصورت من دویده بود! حضرت وقتی مرادید، فرمود: خوب شدی.»

استفاده از لباس خوب

«اسحاق بن عمار می گوید: از امام صادق (ع) راجع به شخصیکه پولدار و اهل تجمل است و لباسهای زیادی دارد و پوستین و عبای پیراهن های مختلفی می پوشد که بعضی از این لباسها برای پوشاندن بدن و بعضی برای شیک شدن است، سؤال کردم که او اسرافکار است؟ فرمود: نه! زیرا قرآن فرموده است: لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ. (طلاق 7) هر که زندگیش وسعت دارد، بقدر توانائی خرج کند.»

«عده ای به امام رضا (ع) گفتند که: مردم از اینکه می بینند شما لباسهای خوب و گرانقیمت بر تن می کنید، ناراحتند!

چهره زیبای اسلام

امام فرمود: یوسف پیامبر از نسل پیامبران بود در حالیکه لباس دیبا بتن می کرد و از پوشش زربفت استفاده می نمود و در مجالس آل فرعون می نشست و اینها به مقام او خدشه ای وارد نکرد. لباس گرانقیمت در صورتی مذموم است که خرج ضروری تری در پیش باشد و آنچه بر امام لازم است، عدالت در حکم و راستگویی در سخن می باشد.

خداوند چیزهایی را حلال نموده که کم و زیاد نمی شوند و چیزهایی را حرام نموده که آنها هم کم و زیاد نمی شوند!

«یکی از مسلمانان پولدار با لباس ژولیده نزد پیامبر رفت. حضرت پرسید؟ پولداری؟ گفت: آری. خدا همه گونه بمن نعمت داده است. فرمود: خدا وقتی به کسی نعمتی می دهد، دوست دارد آثار آن را ببیند.»

تاکید بر آراستگی و نظافت

«رسول خدا (ص): داخل بهشت نمی شود مگر افراد تمیز و نظیف!»
علی (ع): ازالة موی زیر بغل، بوی بد را از انسان برطرف می کند و سستی است که رسول خدا (ص) به آن فرمان داده است.»

«رسول خدا (ص) مشاهده کرد که چند نفر دندان شان زرد است! فرمود: چرا دندانهای شما را کثیف می بینم؟ چرا مسواک نمی زنید؟»

برای همین قوانین مترقی، اسلام در این قرن که قرن ارتباطات است و مردم بیشتر با اسلام آشنا شده اند بسرعت در حال پیشرفت است.

رشد اسلام در غرب

«غرب اکنون در برابر شمار زیادی از روشنفکران و اندیشمندان و هنرمندان و بازرگانانی که اسلام را انتخاب نموده اند سرگردان شده است.»
مجله اشپگل:

چهره زیبای اسلام

«بیش از هشت هزار نفر زن آلمانی در اوایل سال جاری مسلمان شده‌اند، بسیاری از این زنان مسلمان آلمانی، نماز را در محل کار خود و در برابر دیگران برگزار می‌کنند.»

روزنامه فرانسوی فیگارو:

«امروزه جوانان فرانسوی بیش از پیش به اسلام روی می‌آورند.» خبرگزاری رسمی ایتالیا:

«تنها در دو سال اخیر بیست هزار زن تحصیل کرده انگلیسی به اسلام گرویده‌اند.»

مجله ایندی پندت:

«توجه شهروندان انگلیسی به اسلام، پدیده در خور توجهی است که در سالهای اخیر رشد آن در میان حلقه اشراف سرعت بیشتری پیدا کرده است تا آنجا که هم اکنون فرزندان برخی از سرشناس‌ترین اعضای این طبقه در زمره گروندگان به آیین اسلام قرار گرفته‌اند.» از جمله این افراد «یحیی برنت» پسر جانت برنت مدیر عامل رادیو و تلویزیون بی بی سی و دختر و پسر «قاضی اسکات» رهبر کمیسیون اسکات و فرزندان برخی دیگر از رهبران اقتصادی و اجتماعی جامعه انگلیس هستند.» نکته در خور توجه این است که این گروندگان به اسلام همگی از بالاترین درجات تحصیلی برخوردارند و با توجه به نفوذ اجتماعی و موقعیت فردیشان اسلام آوردن آن‌ها تأثیر به سزایی در میان همگان داشته است.»

نشریه تایمز:

«در حالی که اختلاف میان فرقه‌های مسیحی و کلیساهای آنان روز به روز عمیق‌تر می‌شود بسیاری از مردم انگلیس که اکثر آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند به طور غیر منتظره‌ای به اسلام روی می‌آورند.»

نحوه مسلمان شدن رهبر مائویست نروژ:

«وابسته فرهنگی سفارت ایران در نوژ در این رابطه می‌گوید: در ایام اقامت در اسلو پایتخت نروژ هنگامی که روزنامه هارا بررسی و ترجمه می‌کردم به مقاله‌ای برخورددم با این عنوان: اسلام به زودی به غرب می‌آید، بعد از جست و جو فهمیدم که این مقاله به قلم دکتر لین ساد رهبر حزب مائویست نروژ می‌باشد.

ایشان تحصیلات خود را در انگلستان گذرانده و فردی مبارز بوده و چندبار جهت کمک به مسلمانان به فلسطین سفر نموده و در جریان معروف سپتامبر سیاه و حمله اردن به فلسطینی‌ها مجروح گردید...

با تلاش فراوان ایشان را پیدا کردیم و ارتباط برقرار شد. بسیار در مورد ایران و انقلاب و اسلام کنجکاو بود...

چهره زیبای اسلام

بعد از برگزاری جلسه اولی که بایشان داشتیم و سؤال‌های ایشان را پاسخ گفتیم از ما خواست که در جلسه دیگری با اعضای حزب همین سخنان را تکرار کنیم... تا این که دکتر لین ساد همراه دکتراریک فویسر به مناسبت جشنهای پیروزی انقلاب اسلامی به ایران دعوت شدند، این سفر آن قدر برای آنها جالب توجه بود که این دو عاشق وشيفته انقلاب شده بودند.

بعداً ایشان مقاله‌ای نوشتند با این عنوان به زودی انقلاب ایران جهانی می‌شود.

روزی در مورد قضایای غدیر خم سؤال نمود، توضیح دادم، در آن هنگام حالت بسیار عجیبی داشت، عصر آن روز از انجمن حسینی تماس گرفتند و گفتند بعد از نماز مغرب وعشا مراسم داریم، کسی می‌خواهد مسلمان شود. اصلاً گمان نمی‌کردم این فرد دکتر لین ساد باشد... ایشان شیعه شدند و نام علی را هم برای خود برگزیدند...

بعد از مدتی «آنا بریت» همسر ایشان با من تماس گرفت و گفت: می‌خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می‌خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می‌خواهی؟ (چرا که ترسیدم باجوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها را نداشته باشد). اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سمبل من بوده‌اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب -سلام الله علیها- زن صبور، مقاوم و کاملی بوده است.»

یکی از طلاب محصل دانشگاه واشنگتن:

«الان آماری که مؤسسات رسمی آمریکا ارائه داده‌اند این است که اسلام نسبت به سایر ادیان سریع‌ترین رشد را داشته است. گرچه مؤسسات آمارگیری عمدتاً در دست یهودی‌هاست ولی این آمار واقعی است و این رانه به نفع ما بلکه به عنوان زنگ خطری برای خودشان اعلام نموده‌اند.

یکی از زمینه‌هایی که برای تبلیغ و نشر اسلام بسیار مؤثر است زندان‌های آمریکا است. فردی از یک زندان در شهری دور افتاده از ایالت تگزاس عنوان کرد که ما چهارهزار نفر زندانی هستیم. از این جمع هفده نفر مسلمان شدیم، برای ما کتاب و قرآن بفرستید.

چهره زیبای اسلام

ما نیز کتاب هایی برایشان ارسال کردیم و پس از یک سال با یک بررسی مجدد متوجه شدیم که این 17 نفر به 250 نفر سپس به 800 نفر و بعد به نصف زندان (2000 نفر) تبدیل شده اند.»

پروفسور خوزه مارتینز رئیس دانشکده تاریخ باستان کمبلوتنسه:

«اسلام دینی کامل است و جامع با تمام قوانین صحیح زندگانی، من شخصا قرآن را پنج بار مطالعه کرده ام. در سطر سطر آن قانون و ثبات دیده می شود. و از آن گذشته به نظر من اسلام دینی بسیار آسان و فهمیدنی است و... ولی شما می بینید در مسیحیت به اندازه ای روایات گیج کننده است که گاهی یک کشیش هم سرنخ تثلیث را از دست می دهد.» «در نهایت مسیحیت به یک مذهب می رسد ولی در اسلام به مجموعه قوانین خواهی رسید.»

مشاور سابق نیکسون رئیس جمهور سابق آمریکا که مسلمان شده:

«نه مسیحیت و نه یهودیت هیچ یک توانایی ابداعی یک نمونه و یا چهارچوب فکری مناسب برای خروج از این هرج و مرج (در آمریکا) را ندارند، چنین چیزی تنها در اسلام وجود دارد و در عناصر اسلامی به خوبی دیده می شود، عناصری که در عین اسلامی بودن می تواند مغز و فرهنگ توده آمریکا شود.»

اسمون دانکه، افسر تازه مسلمان آمریکا:

اسلام بهترین روش اداره زندگی، جامعه و خانواده می باشد. به ویژه اکنون که جهان غرب ارزش های اخلاقی را از دست داده است و رشته خانواده از هم گسیخته و نژادپرستی بار دیگر جان گرفته است.»

خانم سمیه، تازه مسلمان فنلاندی:

«من از زمانی که مسلمان شده ام احساس می کنم که یک زن آزاد دارای ارزش های معنوی و انسانی هستم. اسلام برای زنان ارزش بسیار عالی قائل است.»

پروفسور یاووس اوسس، تازه مسلمان آلمانی:

«من با توجه به حقایق آشکاری که در متن جوامع حکومت های غربی می بینم و با توجه به الهاماتی که از اشارات و رهنمودهای پیامبر گونه امام خاмене ای می گیرم، یقین دارم که قرن چهاردهم هجری قرن امام خمینی (قدس سره) و امام خاмене ای است. و این بزرگواران حکومت بر زمین را به دست صاحب الزمان (عج) مژده می دهد تا بعد از این همه اعصار قرون به نام اهل بیت پیامبر (ص) باشد.»

جرج بوش پدر:

چهره زیبای اسلام

«من از رئیس وقت سازمان سیا که به دلیل پیروزی انقلاب ایران از کاربر کنار شد، پرسیدم، یعنی شما با این همه آدمی که در دنیا دارید با این همه تجهیزات فوق پیشرفته با این همه بودجه‌ای که صرف می‌کنید نتوانستید انقلاب مردم ایران را پیش بینی کنید؟ او در پاسخ به من گفت: آن چه در ایران روی داده است یک «بی تعریف» است، کامپیوترهای ما آن را نمی‌فهمند!»

امام جمعه نیویورک:

«برخی از مسیحی‌ها در مدرسه مسلمانها ثبت نام کرده‌اند. به پدر یکی از آنها گفتم که ما در این مدارس، دروس دولتی نداریم، به دانش‌آموزان قرآن هم می‌آموزیم، ظهرها هم نماز جماعت داریم و چه بسا فرزند شما در آینده مسلمان شود. او جواب داد: من نمی‌خواهم فرزندم فاحشه یا معتاد شود.»

«از فردی تازه مسلمان در ایالت بوستون آمریکا پرسیدم: اسم شما چیست؟ گفت: نامم علی است. گفتم: کی مسلمان شدی؟ گفت: حدود یکسال است. گفتم: چه شد که مسلمان شدی؟ او برای پاسخ رفت و کتاب شریف نهج البلاغه را که به زبان انگلیسی ترجمه شده بود، آورد و انگشت خود را زیر جمله‌ای گذاشت و گفت: این جمله مرا مسلمان کرد.

و همین طور که تعریف می‌کرد بلندبلند گریه می‌کرد. من این جمله را دیدم و عربی آن را جستجو کردم، همان جمله‌ای است که مولای فرمایند: **وَلِلّٰهِ لَوْ اَعْطِيتِ الْاَقَالِیْمُ السَّبْعَةُ بِمَا تَحْتَ اَفْلَاكِهَا عَلٰی اَنْ اَعْصٰی اللّٰهُ فِی نَمْلَةٍ اَسْلِبُهَا جَلْبَ شَعِیْرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ وَاَنْ دُنِیَاکُمْ عِنْدِیْ لَاهُوْنَ مِنْ وَرَقَةٍ فِیْ فِمْ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا**

به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفتگانه با آنچه در زیر آسمان هاست به من دهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم هرگز نخواهم کرد و این دنیای شما از برگ جویده‌ای که در دهان ملخی باشد نزد من خوارتر و بی ارزش تر است.

آن تازه مسلمان آمریکایی می‌گفت: این عبارت نهج البلاغه مرا منقلب کرد، این عبارت مرا کشت. من علی (ع) را نمی‌شناختم تا این که این کتاب (نهج البلاغه) به دستم رسید. به مؤسسه ناشر زنگ زدم و به روحانی آن جا گفتم: می‌خواهم علی (ع) را بشناسم. او گفت اگر بخواهی علی (ع) را بیشتر بشناسی باید بیشتر مطالعه کنی. برایم برنامه تدریس نهج البلاغه را گذاشت و من مسلمان شدم. و اکنون خدا می‌داند چقدر اسلام را دوست دارم.»

«وقتی کت استیونس، خواننده موسیقی پاپ در انگلیس، مسلمان شد و صدای خود را در راه تلاوت قرآن قرار داد، گفت: وقتی به اسلام گرویدم، همه ترسهای من از طبیعت، انسان و جهان ناشناخته‌ها به آرامشی تبدیل شد که از آیه **وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ**» جاثیه 27

چهره زیبای اسلام

یعنی ملک آسمانها وزمین تنها از آن خداست. جان می گرفت.»

به امید آنکه همه مردم دنیا با چهره زیبای اسلام آشنا شوند و هدایت یابند.

پلدختر-عید نوروز 85 مصادف با اربعین

مکارم اخلاق پیامبر:

«أَنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» این سخن رسول خدا (ص) است که می فرماید: من برای تمام کردن کرامتهای اخلاقی مبعوث شده‌ام.

در حدیثی از امام صادق (ع)، رسول خدا (ص) اینگونه توصیف شده است: از همه کس، حکیمتر و داناتر و بردبارتر و شجاعت‌ر و عادل‌تر بود. هرگز دستش به زنی نامحرم نرسید و سخاوتمندترین مردم بود. هرگز درهم و دیناری نزد او نماند. بر زمین می نشست و بر زمین غذا می خورد و بر زمین می خوابید و نعلین و لباس خود را پینه و وصله می کرد. در خانه خود رامی گشود و گوسفند را خود می دوشید و پای شتر را خود می بست و چون خدمتکار از گردانیدن آسیاب خسته می شد، خود می گرداند. آب وضو را بدست خود حاضر می کرد و پیوسته سرش در زیر بود. در حضور مردم تکیه نمی کرد و اهل و عیال خود را خدمت می کرد و هرگز آروغ نزد و هر که او را به مهمانی دعوت می نمود، قبول می فرمود و نگاه‌زیاد به صورت مردم، نمی کرد. هرگز برای دنیا بخشم در نمی آمد و برای خدا غضب می کرد و گاه از گرسنگی، سنگ بر شکم می بست و هر چه حاضر می کردند، تناول می فرمود. انگشتش نقره در انگشت کوچک دست راست می کرد. خربزه را دوست می داشت. هنگام وضو مسواک می زد و ادب هر که را رعایت می فرمود و عذر هر مه را که معذرت می خواست، قبول می نمود و تبسم بسیار می کرد و هرگز صدای خنده اش بلند نمی شد و هرگز کسی را دشنام نداد و خدمتکار و زنان خود را نفرین نکرد. بد را به خوب جواب می داد و ابتدا به سلام و دست دادن می نمود و در هر مجلسی، یاد خدا می کرد. «حِوَةُ الْقُلُوبِ ج 2»

«مردی خدمت پیامبر آمد و گفت: مرا نصیحتی بفرما! حضرت فرمود: غضب نکن! باز گفت: مرا توصیه‌ای بفرمائید! فرمود: غضب نکن! برای بار سوم گفت: مرا نصیحتی بفرمائید! فرمود: غضب منما!

آن شخص خدا حافظی کرد و بنزد قبیله خود مراجعه نمود. ناگاه دید که بر سر مسئله قتل، قبیله او آماده کارزار با قبیله دیگر شده است. او هم غضبناک شده و لباس رزم پوشید! اما بیاد سخن پیامبر افتاد و لباس جنگی را در آورد و بنزد قبیله مقابل رفت و گفت: ای مردم! هر جراحت و قتل بی نشانه‌ای که در

چهره زیبای اسلام

افراد شما باشد،بعده من است وخونبهای آنرامی دهیم. آنها گفتند: ما به پرداخت این جریمه سزاوارتریم! سپس بایکدیگر صلح نمودند.» {زندگی 14معصوم}

بازی با کودکان

«روزی پیامبر بطرف مسجد می رفت. در راه به کودکانی رسید که بازی می کردند. همینکه چشم کودکان به حضرت افتاد، چون دیده بودند که حسنین (ع) پر پشت پیامبر سوار شده و حضرت به آنها سواری می داد، آنها هم به پیامبر گفتند: کُنْ جملی! شتر ما باش! پیامبر هم با ملاطفت، تمام بچه ها را بنوبت بر پشت مبارکش سوار می نمود.

مردم که در مسجد منتظر پیامبر بودند، چون دیدند حضرت نیامد، بلال را بدنبال پیامبر فرستادند. وقتی بلال در کوچه با صحنه حلقه زدن کودکان بدور پیامبر و تقاضای سواری از حضرت، مواجه شد، خواست کودکان را از حضرت دور کند اما حضرت فرمود: این کار را نکن! بلکه به خانه ما برو و مقداری گردو بیاور! بلال از خانه حضرت مقداری گردو آورد و به پیامبر داد. حضرت به کودکان فرمود: آیا حاضرید شترتان را به این گردوها بفروشید؟ کودکان با خوشحالی قبول کردند و گردوها را گرفته و پیامبر را رها نمودند. رسول خدا (ص) فرمود: خدا رحمت کند بر ادرم یوسف را که او را به پول اندکی فروختند همینطور که این کودکان مرا به چند دانه گردو فروختند!»

مهمان نوازی عجیب

شخصی به پیامبر مراجعه کرد و گفت: من غریبم و نیاز به غذا و جادارم. علی (ع) او را به خانه خود برد. چون غذا به اندازه کافی نبود، در هنگام انداختن سفره، علی (ع) چراغ را خاموش کرد و لب و دندان خود را به حرکت درمی آورد تا مهمان خیال کند که او مشغول خوردن است. روز بعد پیامبر از این ایثار و مهمان نوازی علی (ع) خبر داد.

بخشش شمشیر به دشمن

در وسط جنگ، یکنفر از دشمنان گفت: ای علی! شمشیر خود را به من می دهی؟ حضرت هم شمشیرش را به او بخشید!

عدالت علوی

زنی بنام سوده که امام علی ع او را می شناخت، خدمت امام آمد و از مظالم فرماندار شهرشان مطالبی را گفت. ناگاه امام به گریه افتاد و فرمود: خدا یا! تو خود می دانی که این فرمانداران را نفرستاده ام که به مردم ظلم نمایند! سپس بر روی کاغذی از پوست، حکم عزل آن شخص را نوشت و به دست سوده داد تا به او بدهد!

بخشش لباس عروسی

چهره زیبای اسلام

گفته اند که پیغمبر (ص) برای عروسی دخترش فاطمه (س)، لباسی به او داد. اما روز بعد وقتی او را دید، مشاهده کرد که لباس کهنه به تن دارد. سبب را پرسید. فاطمه (س) گفت: دیشب در خانه را زدند. وقتی در را باز کردم، زنی را دیدم که از من لباس می خواست. خواستم لباس کهنه را به او بدهم، اما بیاد این آیه افتادم:

«لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون.» آل عمران 92

«بدرجه نیکوکاری نمی رسید مگر زمانیکه آنچه را خود دوست دارید، انفاق کنید.»

لذا پیراهن عروسی را به آن فقیر دادم.

جواب ناسزا:

روزی یکنفر یهودی سر راه امام حسن (ع) را گرفت و به حضرت ناسزاهای زیادی گفت. تا زمانیکه آن مرد حرف می زد، امام ساکت بود. وقتی که اوساکت شد، امام به او سلام کرد و خنده نمود و فرمود: ای پیرمرد! گمان می کنم غریب هستی و امر بر تو مشتبّه شده است. اگر چیزی از ما می خواهی بتو می دهیم و اگر درخواست ارشاد و هدایت کنی تو را ارشاد می کنیم و اگر گرسنه باشی تو را سیر می نمائیم و اگر بی لباس هستی، بتو لباس می دهیم و اگر محتاج می باشی، تو را بی نیاز می کنیم و اگر حاجتی داری حاجت تو را بر آورده می نمائیم و اگر بخانه ما بیائی تو را مهمان می کنیم و...

وقتی مرد شامی این برخورد را از حضرت دید، به گریه افتاد و گفت: من شهادت می دهم که تو خلیفه خدا در زمینی. «منتهی الامال ج 1 ص 417»

آزادی در مقابل یک شاخه ریحان

«روزی کنیز امام حسین (ع) یک شاخه ریحان به امام هدیه کرد. امام در مقابل او را آزاد فرمود.

آزادی در مقابل شکستن سر امام سجاد!

نقل شده که کنیز امام در حالیکه می خواست آب بریزد، آفتابه از دستش بر سر امام افتاد و سر امام شکست.

امام به او نگاهی کرد ولی کنیز گفت: والکاظمین الغیظ! والعافین عن الناس! امام فرمود: تو را بخشیدم. او گفت: واللّه یحبّ المحسنین! امام فرمود: تو در راه خدا آزادی. «ستارگان درخشان ج 6 ص 33»

بخشش در نیمه شب

معلی بن خنیس می گوید:

دیدم که امام صادق (ع) با کیسه ای بردوش به جائی می رود. اجازه گرفتم که ایشان را همراهی کنم. با حضرت به محله فقراء رفتیم و امام بر بالای سر آنان که همگی در خواب بودند، مقداری غذا می گذاشت. من پرسیدم که اینها شیعه هستند؟ امام فرمود: اگر شیعه بودند که ما هر چه داشتیم حتی نمکمان را با آنها نصف می نمودیم. «منتهی الامال

ج 2 ص 244

چهره زیبای اسلام

بدرقه عجیب

«عده‌ای مهمانِ امام صادق(ع) شدند. حضرت از آنها خوب پذیرائی نمود و موقعی که می‌خواستند بروند، امام برای آنها توشه سفر تهیه دید. ولی وقت خارج شدن آنها، به غلامانش فرمود: موقع رفتن در بردن بارهایشان کمک نکنید! آنها در هنگام خدا حافظی به امام گفتند: یا بن رسول الله! تو خوب از ما پذیرائی نمودی و اموالی بما بخشیدی! ولی چرا به غلامانت دستور دادی که در بردن بارها ما را کمک نکنند؟ امام فرمود: ما خاندانی هستیم که به رفتن مهمان کمک نمی‌کنیم.»

جسارت به مادر

ابامهزم گوید:

شبى از خدمت امام صادق(ع) مرخص شدم و به همراه مادرم به خانه‌ام در مدینه می‌رفتیم. در بین راه با مادرم مشاجره کردم و من به او تندی نمودم!
روز بعد وقتی خدمت امام رفتم، امام فرمود: ای ابامهزم! بین تو و مادرت چه پیش آمد؟ آیا شب گذشته به او تندی نمودی؟ آیا نمی‌دانی که شکمش محل سکونت تو و دامنش محل استراحت تو و سینه‌اش ظرف نوشیدنی تو بوده است؟
گفتم: آری!

فرمود: هیچگاه بر او تندی نکن! «بحار ج 4 ص 72»

گردنه قیامت

هرگاه برای امام رضا(ع) سفره می‌انداختند، امام ابتدا ظرف غذایی برای فقرا می‌فرستادند و می‌فرمودند: «فلا تَحْمِ الْعُقْبَةَ» یعنی کسانی از قیامت نجات می‌یابند که برده آزاد کنند یا به یتیم اکرام نمایند. «منتهی الامال ج 2 ص 463»

شخصی از خراسان، خدمت امام رضا(ع) عرض کرد که من در شهرم وضع مالی خوبی دارم ولی در اینجا پولم را گم کرده‌ام. شما بمن قرض بدهید تا من وقتی به شهرم رسیدم، از طرف شما آنرا صدقه بدهم؟
امام داخل اطاق خصوصی شان رفتند و سپس در حالیکه در دستشان کیسه بود و آنرا از لای در اطاق بیرون آورده بودند، فرمودند: آن مرد خراسانی کجاست؟ او گفت: اینجا هستم. امام آن مبلغ را به او دادند و فرمودند لازم نیست از طرف ما صدقه بدهی.

وقتی خراسانی رفت، امام آمدند و نشستند. یک نفر سؤال کرد که چرا پول را از لای در به او دادید و صورت خود را از او پوشانید؟ فرمود: بخاطر اینکه مبادا حالت خواری و کوچکی را در او ببینم. «منتهی الامال ج 2 ص 466»

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی(ع) کرد.

روزی موسی(ع) از خدا خواست که همشین او را در بهشت به او نشان دهد.

چهره زیبای اسلام

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است (حضرت موسی (ع) سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم. او حضرت موسی (ع) را بخانه خود برد و حضرت موسی (ع) که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود و جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره او را در زنبیل گذاشته و در حالیکه لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی (ع) غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی (ع) از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟ گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را ترو خشک می کنم. موسی (ع) پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟ گفت: هرگاه او را ترو خشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خدا تو را با موسی در بهشت همنشین کند. «بحار ج 74»

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق (ع) به او سفارش کرد که اگر چه پدر و مادرت مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پدرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد. «بحار ج 74»

ارزش علم و دانش

ارزش دانش آنچنان مهم است که خالق به قلم و مرکب قسم خورده است «ن. والقلم وما یسطرون» در میان نوع بشر، هیچگاه بین دانشمند با بی دانش مساوات نیست و این مورد قبول همه انسانها می باشد. لذا خدا در قرآن از مخاطبین قرآن می پرسد که: «آیا آنانکه می دانند با آنانکه نمی دانند یکسانند؟» «زمر 9» مثل بیسوادان و بی دانشان را به کور زده اند. با چراغ علم می توان تاریکیها را کنار زد و در راه درست قدم زد. به درجات بالا رسید و خود و دیگران را به سعادت رساند. افراد بی دانش زود گول می خورند و سریعتر بدام صیادان صید کننده انسانهای جاهل می افتند. هدف اصلی انبیاء دو چیز بوده است: تزکیه انسانها و آموختن کتاب و حکمت به آنان. ملت هایی که بدنبال علم و دانش باشند، سر بلند و رستگار و عزیز و جلودار و مرفه و... هستند. مسلمانان و شیعیان باید نیکوکار باشند و اگر این چنین نباشد، شیعه واقعی نیستند!

چهره زیبای اسلام

«ابواسماعیل به امام صادق (ع) گفت: در منطقه ما شیعه زیاد است. امام پرسید: آیا پولدارهای شیعه به فقرا کمک می کنند؟ آیا اهل عفو و گذشت هستند؟ آیا نسبت بهم همدردی می کنند و کمک هم هستند؟ گفت: نه! فرمود: پس اینها شیعه نیستند.»

پیامبران و مردان بزرگ عالم جز افراد نیکوکار بودند. به این چند نمونه توجه فرمائید:

«وقتی امام سجاد (ع) در کوچه حرکت می کرد، اگر سنگی را سر راه می دید آنرا برمی داشت و کنار راه قرار می داد. امام گاهی با کاروانهای ناشناس به سفر حج می رفتند و در طول راه، کارهای خدماتی مسافری را انجام می دادند و مسافرین هم که امام را نمی شناختند، کارهای خود مثل تهیه غذا و شستن ظرف و ظروف را بعهده حضرت می گذاشتند.»

ایثار در سه روز

«فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) وفضه سه روز روزه نذری داشتند. روز اول فاطمه (س) تعدادی نان تهیه کرد. اما موقع افطار ناگاه مسکینی در خانه را بصدا در آورد و تقاضای غذا نمود. اهل خانه همه افطاری خود را به او دادند و خود با آب افطار کردند و برای روز بعد روزه گرفتند. روز دوم باز فاطمه (س) مقداری نان تهیه کرد اما موقع افطار یتیمی در خانه را بصدا در آورد تقاضای غذا نمود. اهل خانه مجدداً نانهای خود را به او دادند و با آب افطار نمودند. روز سوم نیز فاطمه (س) مقداری نان تهیه کرد. ولی موقع افطار اسیری در خانه اهل بیت (ع) را بصدا در آورد و تقاضای غذا نمود. اهل خانه غذای خود را به او دادند و خود با آب افطار نمودند. روز چهارم وقتی پیامبر بیدار آنها آمد و مشاهده کرد که رنگ بر صورت حسن و حسین نمانده و اهل خانه دچار ضعف شدند، دستها را بدها برداشت. ناگاه آیات سوره هل اتی نازل شد و خدا از ایثار آنان تعریف نمود:

«و در راه محبت الهی به مسکین و یتیم و اسیر غذا می دهند.» انسان

(هل اتی) 8

توبه

یکی از درهای رحمت خداوند رحیم، باز گذاشتن در توبه است. انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت و نجات خود را دارند. چه گناهان بزرگ و چه گناهان کوچک. چه برای کسیکه گناهان کمتری انجام داده است. و چه کسیکه مدتهای زیادی را به گناه مشغول بوده است.

«بزرگترین گناه، شرک به خداست و بعد از آن مایوس شدن از رحمت خداوند است.»

وقتی انسان توبه می کند، خدا از او راضی می شود بیشتر از خوشحالی کسیکه اثاثش را گم کرده سپس بعد از مدتی آنرا پیدا می کند.

چهره زیبای اسلام

«پیامبر(ص) فرمود: هر که یکسال قبل از مردنش توبه کند، توبه‌اش قبول است. سپس فرمود: یکسال زیاد است. کسیکه یکماه قبل از مردنش توبه کند، توبه‌اش قبول است. سپس فرمود یکماه زیاد است! اگر یک هفته بلکه یک روز و بلکه یکساعت قبل از مردنش توبه کند، توبه او پذیرفته می‌شود.»

غیرت

از صفات پسندیده افراد بزرگ، غیرتمندی است. غیرت یعنی انسان حساسیت خاصی نسبت به ناموس خود داشته باشد. و از اینکه دیگران با چشم ناپاک به آنها نگاه کنند، ناراحت گردد و با دل و زبان و حتی بدرگیری ناراحتی خود را ابراز نماید.

«پیامبر فرمود: جدم ابراهیم غیور بود ولی من از او غیورترم. و خدا بینی آدم بی غیرت را بر خاک می‌مالد!»

«وقتی امام حسین(ع) شنید که معاویه با حيله، شخصی را وادار کرده است تا زن زیبای خود را طلاق دهد تا این زن به عقد یزید درآید. وارد عمل شد و ابتدا آن زن را برای خود عقد کرد تا چنگال معاویه به او نرسد سپس شوهر سابق زن را خواست و زن را به او تسلیم کرد و گفت: من با این زن تماسی نداشته‌ام و هدفم از عقد او این بود که دوباره بنزد تو برگردد.»

صله رحم

صله رحم یعنی ارتباط و رفت و آمد با فامیل و اقوام، از سفارشات موکّددین اسلام است.

انسانهای والا و بزرگمرد، همواره با فامیل خود صله رحم داشته اند اگرچه در مقابل، بعضی از افراد فامیل به آنها بی اعتنائی می‌کرده اند.

ولی در مقابل این بزرگواران همچنان ارتباط فامیلی خود را برای خدا ادامه می‌دادند.

«رسول خدا(ص): کسیکه به فامیلش صله رحم کند، چه بوسیله دیدار با او و یا کمک مالی به او، خداوند به او اجر صد شهید می‌دهد و برای هر قدمی که بر می‌دارد چهل هزار حسنه نوشته شده و چهل هزار گناهش پاک می‌شود.» بحار ج 74

«داود رقی می‌گوید: پسر عمویم با همسرش مرا اذیت کرده بودند. ولی من قبل از سفر مکه به آنان کمک مالی نمودم. بعد از سفر مکه به مدینه رفتم. وقتی خدمت امام صادق(ع) رسیدم. امام فرمود: ای داود! اعمال روز پنج شنبه تو را بمن نشان دادند. دیدم تو نسبت به پسر عمویت صله رحم کردی. من خوشحال شدم و فهمیدم که صله رحم تو باعث طولانی شدن عمر تو و زود مردن پسر عمویت می‌شود.» بحار ج 74

رعایت حقوق همسر

چهره زیبای اسلام

سعد بن معاذ، از فرماندهان سپاه اسلام، بشهادت رسید. رسول خدا (ص) تشییع با شکوهی از او بعمل آورد و خود شخصا او را دفن نمود.

بعد از دفن، مادر سعد خطاب به قبر گفت: ای سعد! بهشت بر تو گوارا باد! رسول خدا (ص) فرمود: این را نگو! گفت: چرا؟ فرمود: او الان فشار قبر سختی دید! سؤال کردند: برای چه؟ فرمود: او با خانواده خود بد اخلاقی می کرده است!

اسلام دین سلامتی است

«شخصی از امام صادق (ع) پرسید: آشکار نمودن نعمت که خدا بدان در آیه «وَمَا بِنِعْمَتِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» آمده چیست؟ فرمود: لباس تمیز بپوشد. بوی خوش استعمال نماید. خانه اش را سفیدکاری کند. درب خانه اش را جاروب نماید.»

«حضرت عیسی (ع) در حال سفر به شهری رسید. در محلی مشاهده کرد که زن و مردی باهم نزاع می کنند. عیسی (ع) علت نزاعشان را پرسید. مرد گفت: این همسرم است که از اخلاقش راضی هستم ولی می خواهم او را طلاق دهم. زیرا آب صورتش رفته است و صورتش شادابی و طراوت ندارد! عیسی (ع) به زن گفت: می دانی چرا اینگونه شده ای؟ گفت: نمی دانم. عیسی (ع) گفت: شما وقتی غذا می خوری پُر می خوری و هنگامیکه معده پر از غذا شود، بخار معده باعث از بین رفتن آب و رنگ صورت می شود. شما باید قبل از سیر شدن دست از غذا بکشی تا عیت برطرف شود. زن اینگونه کرد و عیش برطرف شد.»

«امام رضا (ع): خواب، سلطان مغز است و قوام و دوام نیروهای بدن، بسته به خواب می باشد. هنگامیکه انسان به خواب می رود، بهتر است ابتدا به پهلوی راست بخوابد و پس از چندی، از پهلوی راست به پهلوی چپ سپس باز به پهلوی راست برود. اما بامداد که از خواب برمی خیزد، بهتر است که از پیلوی چپ بر است غلطیده سپس برخیزد!

بهتر است شب بعد از غذا، دو ساعت بیدار باشد هنگامیکه انسان به مستراح می رود، زیاد آنجا نماند که توقف زیاد در مستراح، باعث بیماری «داء الفیل» میشود.» 299

اسلام دین مهمان نوازی

«روایت شده که رسول خدا (ص) شنید: مردی از مسلمانان، هیچگاه مهمان به خانه اش نرفته است! روزی او را دید و علت این مطلب را پرسد. عرض کرد: زنی دارم که از مهمان بدش می آید و اگر روزی مهمانی بخانه ببرم، تا یکسال با من دعوای کند! رسول خدا (ص) فرمود: من امشب به خانه ات می آیم! به زنت بگو وقتی من وارد می شوم، به درب حیاط نگاه کند و هنگامیکه خارج می شوم نیز رفتن مرا تماشا نماید.

چهره زیبای اسلام

آن مرد بمنزل رفت ومطالب پیامبر را به همسرش گفت وآمدن حضرت را خبر داد. اما زن گفت: بمن مربوط نیست ومن غذائی آماده نمی کنم! آن مرد خود غذا آماده نمود ورسولخدا مهمان او شد وپس از صرف غذا خدا حافظی نمود ورفت. دراین موقع زن نزد شوهرش آمد وگفت: حتما تو شکایت مرا به پیامبر نموده ای؟ زیرا دیدم پیامبر غذای خودش را با خود آورد وموقع رفتن، ماران وعقربان با خارج شدند! مرد اظهاربی اطلاعی کرد وهر دو برای یافتن این سرّ نزد پیامبر رفتند. رسول خدا (ص) فرمود: مگر نمی دانید که وقتی مهمان وارد می شود، رزق خود را همراه می آورد وهنگامیکه می رود، گناهان وبدیهای آن خانه را با خود می برد! آن زن ازاین مطلب تعجب نمود ودوستدار مهمان شد واز آن ببعدهمهمان را اکرام می نمود.»

اسلام دین احترام به یکدیگر

«امام ششم (ع): هر که مؤمنی را اکرام کند، گویا خدا را اکرام کرده است.» حلیه

المتقین

اسلام دین خدمتگزاری به انسانها

«رسول خدا (ص): هر که به عده ای از مسلمانان خدمت کند، خداوند در بهشت به عدد آنها به او خدمتکار عطا فرماید.» حلیه المتقین

«امام سجاد (ع): هر که حاجت مؤمنی را روا نماید، مثل اینستکه حاجت خدا را روا کرده است! وبخاطر آن، خداوند صد حاجت از او را که راحت ترین آنها بهشت است، برای او روا می کند. وهر که غم مؤمنی را بر طرف کند، خداوند در قیامت، بالاترین غم او را بر طرف می نماید. وهر که مظلومی را علیه ظالمی کمک کند، خداوند او را بر پل صراط، در جائیکه قدمها بلغزد، یاری نماید. وهر که در کارهای مؤمنی تلاش کند بطوریکه او را خوشحال نماید، مثل آنستکه رسول خدا (ص) را خوشحال نموده است. وهر که تشنه ای را سیراب کند، خداوند از حیق مختوم (شراب بهشتی) او را سیراب نماید. وهر که گرسنه ای را سیر کند، خداوند به او از میوه های بهشتی بخوراند. وهر که عریانی را بپوشاند، داوند او را از استبرق وحریر بهشتی بپوشاند. وهر که بر غیر عریانی، لباس بپوشاند، تا زمانیکه آن لباس بر تن اوست، در ضمانت الهی قرار گیرد. وهر که مؤمنی را بر مرکب (وسیله نقلیه) خود سوار کند، روز قیامت خداوند او را بر شتری از شتران بهشت سوار نماید، بطوریکه ملائکه به او مباحثات نمایند. وهر که میت مؤمنی را کفن کند، مثل این است که از روز ولادت تا مرگش

بر او لباس پوشانده باشد. و هر که زنی را برای مؤمنی تزویج کند و آن مؤمن با همسرش در صلح و آرامش باشد، خداوند در قبر او را با صورت محبوبترین خانواده‌اش مأنوس نماید. و هر که به عیادت مریضی بود، ملائکه برای او دعا می‌کنند تا از عیادت برگردد و به او می‌گویند: بهشت بر تو گوارا باد!

و بخدا سوگند! روا کردن حاجت مؤمن نزد من از دو ماه روزه پشت سرهم، بصورت اعتکاف در ماههای حرام، محبوبتر است. «بحارج 74

«رسول خدا (ص): کسیکه برادر مسلمانش برای گرفتن قرض به او مراجعه کند ولی او قرض ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام کند.»

«رسول خدا (ص): کسیکه به مؤمنی قرض بدهد و بر او سخت نگیرد، مثل این است که زکات داده است و تا ادای دین بدهکار، ملائکه بر او درود می‌فرستند.»

«ابو اسماعیل به امام صادق (ع) گفت: در منطقه ما شیعه زیاد است. امام پرسید: آیا پولدارهای شیعه به فقرا کمک می‌کنند؟ آیا اهل عفو و گذشت هستند؟ آیا نسبت بهم همدردی می‌کنند و کمک هم هستند؟ گفت: نه! فرمود: پس اینها شیعه نیستند.»

«وقتی امام سجاد (ع) در کوچه حرکت می‌کرد، اگر سنگی را سر راه می‌دید آنرا برمی داشت و کنار راه قرار می‌داد. امام گاهی با کاروانهای ناشناس به سفر حج می‌رفتند و در طول راه، کارهای خدماتی مسافران را انجام می‌دادند و مسافران هم که امام را نمی‌شناختند، کارهای خود مثل تهیه غذا و شستن ظرف و ظروف را بعهده حضرت می‌گذاشتند.»

«کسیکه در کنار جاده ها، مکانهایی برای اسکان مسافران درست کند، در قیامت، بر تختی از نور مبعوث شده و نور صورتش به اهل محشر، درخشانی می‌کند، بطوریکه ایجاد مزاحمت برای نور حضرت ابراهیم در قبه اش می‌کند و مردم می‌گویند: این فرشته ای از فرشتگان است!»

«امام سجاد (ع): کسیکه برادر مؤمنش را بر وسیله خود سوار کند، خداوند او را در حالیکه سوار بر ناقه بهشتی است، محشور کند.»

«امام ششم (ع): کسیکه در حال حل کردن مشکل مؤمنی ست، ثوابش در نزد من از ثواب هفتاد طواف بالاتر است.»

اسلام دین امانتداری

«رسول خدا (ص): کسیکه در امانت تخلف کند از مانیت. و کسیکه در خانواده و ثروت مسلمانی خیانت کند از مانیت.»

چهره زیبای اسلام

«امام پنجم(ع): بر شما باد به امانتداری نسبت به کسیکه بشما امانتی داده چه آدم خوبی باشد و چه بد باشد. پس اگر قاتل علی بن ابیطالب امانتی نزد من بگذارد من امانت او را در وقتش پس می دهم.»

زیبائیهای قرآن

نقاش اسپانیایی و عشق به قرآن!

«الیسو ویسنتی، نقاش مسیحی اسپانیایی :

ی ک سال پیش بود که در شهر کادیز اسپانیا با رادر زاده‌ام در حال قدم زدن بودیم، یک لحظه از خاطرم گذشت که یک قرآن بخرم. به برادر زاده‌ام گفتم: می‌خواهم یک قرآن بخرم. او با تعجب گفت: چرا قرآن؟ گفتم بعضی چیزها است که نمی‌توان در باره آن توضیح داد. به هر حال همان موقع به یک کتابفروشی رفتم و تنها نسخه موجود قرآن را در آن کتاب فروشی تهیه کردم. وقتی به خانه آمدم، برای افراد خانواده‌ام نیز این سوال مطرح شد که: چرا قرآن؟ و من در پاسخ به سوال آنها فقط گفتم: خوب، قرآن خریدم که بخوانم. فعلاً فقط همین.

از وقتی قرآن می‌خوانم، به نتیجه جالب رسیده‌ام و آن این که قرآن، خواننده نمی‌شود بلکه شنیده می‌شود. قرآن بسیار عمیقی دارد که در ورای این کلمات نهفته است. باید هنگام قرآن خواندن، خودت را به کلمات قرآن بسپاری تا بتوانی ژرفای عظیم آن واژه‌ها را درک کنی. اگر خوب به قرآن گوش بسپاری، این پیام عمیق و ژرف به تو گفته می‌شود.

من قبل از اینکه قرآن را باز کنم، اول آن را لمس می‌کنم. اول دست‌هایم را روی قرآن می‌کشم و به عبارتی اول نوازشش می‌کنم. چون احساس مس کنم این کار، نیرویی را به من منتقل می‌کند. وقتی قرآن را باز می‌کنم و به خطوط عربی آن نگاه می‌کنم، چنان احساس لطیفی به من دست می‌دهد و چنان انرژی عظیمی به من منتقل می‌شود که وصف شدنی نیست.

من معتقدم حتی نگاه کردن به خطوط قرآن، بدون شک آدمی را از این فضای مادی آلوده دور می‌کند. من به قرآن خیلی ارادت دارم.

من با این کتاب رابطه عمیقی ایجاد کرده‌ام. بهتر بگویم رابطه عمیقی بین من و این کتاب ایجاد شده است. این رابطه آنقدر عمیق شده که شبها قرآن را بالای سرم می‌گذارم و می‌خوانم. من هر شب قرآن می‌خوانم. هر شب صد درصد قرآن می‌خوانم. من نمی‌خواهم راجع به محتوای قرآن صحبت کنم بلکه می‌خواهم راجع به احساسی که این کتاب به من منتقل می‌کند، حرف بزنم. احساس مس کنم در این کتاب نیروی عظیمی وجود دارد. احساس می‌کنم این کتاب قدرت دارد. عظمت دارد. احساس می‌کنم چیزی درون این کتاب هست. من این کتاب را مملو از نور می‌بینم. بعضی وقتها این کتاب را روی سینه‌ام گذاشته و دست‌هایم را روی آن می‌گذارم تا از این نوری که درون این کتاب است به من منتقل شود و بتوانم انرژی عظیمی را که از این نور متصاعد می‌شود دریافت کنم.»

چهره زیبای اسلام

فرقی بین زن و مرد در عمل و پاداش نیست

با تفحص در قرآن در می یابیم که در عبادت و عمل صالح و پاداشها فرقی بین زن و مرد نیست. از جمله:

«انّ المسلمين والمسلّمات والمؤمنين والمؤمنات والقانتين والقانتات والصادقين والصادقات والصابرين والصابرات والخاشعين والخاشعات والمتصدقين والمتصدقات والصائمين والصائمات والحافظين فروجهم والحافظات والذاكرين الله كثيراً والذاكرات أعدّ لهم مغفرةً وأجرًا عظيماً» 35 حزاب

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان عابد و زنان عابده، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صبور و زنان صبور، مردان خاشع و زنان خاشعه، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان حفظ کننده اندامهای خود از حرام و زنان حفظ کننده، مردان بسیار ذکر گوینده و زنان ذکر گوینده، خداوند برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی آماده نموده است.»
و یا در آیه:

«للرجال نصيب مما كسبوا وللنساء نصيب مما اکتسبن» 32 نساء

«نصیب مردان و زنان آنچیزی است که آنرا کسب می کنند.»

و یا در آیه:

«من عمل صالحاً من ذكرٍ او أنثى' وهو مؤمن فلنحیینه حیوةً طيبةً ولنجزینهم اجرهم باحسن ما كانوا یعملون» 97 نحل

«هر مرد و زن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، ما به او زندگی پاکي داده و بهترین پاداش را به اعمال آنها می دهیم.»

و یا در آیه:

«یوم تری المؤمنین والمؤمنات یسعی نورهم بین یدیهن و بایمانهم بشری' کم

الیوم جناتٌ تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ذلک هو الفوز العظیم.» 12 حدید

«روزی که (قیامت) می بینی نور مردان و زنان مؤمن، در پیش رو و سمت راستشان روشن می باشد. امروز بشارت باد بر شما به بهشتهائی که نهرها از زیر آنها جاری است و همیشه در بهشتند و این همان رستگاری عظیم است.»

نظر گوستاو لوبون مورخ

«اسلام وضع اجتماعی و شئون زن را بر خلاف پندارهای باطل برخی از اروپائیان به مقدار بسیار زیادی بالا برد، و قرآن در قسمت ارث، حقوقی که به زنان بخشیده، بهتر از بسیاری از قوانین اروپاست... آری اسلام مانند برخی از قوانینی که در اروپا هست، طلاق را جایز دانسته لکن این معنی را شرط کرده که باید با زنان مطلقه به نیکی و عدالت رفتار شود، برای اینکه این معنی را بهتر درک کنیم، باید وضع زن قبل از اسلام و بعد از آن را بررسی کنیم (و در مقایسه، نتیجه را به دست آوریم)...

پیش از آمدن اسلام، مردها زن را موجودی متوسط میان حیوان و انسان، می دانستند، یعنی زن را فقط وسیله ای برای پیدایش نسل و خدمتکاری می دانستند، و دختر دار شدن را برای خود مصیبتی می پنداشتند، و رسم دخترکشی به طوری رایج شده بود که همچنان که سگ را در آب می انداختند، دخترها را زنده به گور می کردند و شیوع این عادت را از صحبت هایی که میان قیس رئیس قبیله بنی تمیم و حضرت محمد (ص) رد و بدل شد، می توانید بفهمید:

روزی قیس دید که پیامبر خدا (ص) یکی از دختران خود را روی زانوانش نشانده است، از او پرسید: «این گوسفند بچه چیست، که این چنین او را می بویی؟»

حضرت فرمود: «این دختر من است.»

قیس گفت: به خدا سوگند من دخترهای زیادی داشتم و همه را زنده به گور کردم و هیچ کدام را این گونه نبوئیدم!

حضرت محمد (ص) فریاد زد: «وای بر تو! خدا رحم را از دل تو بیرون برده، و قدر بهترین نعمتهایی را که خداوند به انسان عنایت کرده شناختی.»

گوستاو لوبون پس از ذکر مطالبی می نویسد: «تنزل مقام زن ربطی به اسلام ندارد، زیرا اسلام مقام زن را ارجمند ساخته و برتری داده است... اسلام نخستین دینی است که اقدام به این کار کرد.» «زنان مرد آفرین ص 22»

زن نور چشم است!

در سخنان بزرگان دین مخصوصاً رسول مکرم اسلام بارها و بارها از زنان در موارد مختلف ذکر شده است. برخلاف بعضی از ادیان و مکتبها که زن را شرّ و بد می دانند، پیغمبر اسلام (ص) زن را نور چشم خود می دانست و در آخرین لحظات عمر شریفش، در مورد رعایت حال زنان توصیه و سفارش فرمود

سفارشات اسلام درباره زنان

اول: «عاشروهنّ بالمعروف» «نساء 19» یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید.

چهره زیبای اسلام

مطلب فوق شامل مشارکت مرد باهمسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب

دربرجست از سفر و دراعیاد و گذشت از خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت درین زنان اگر چند همسری باشد و... می شود.

دوم: «وَلَا تُضَارَّوْهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» «طلاق، 6» و «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ» «نساء 16» یعنی برای اینکه مجبور شوند از حق خود دست بردارند به زنها سخت گیری نکنید و اذیت نرسانید.

از امام صادق (ع) روایت شده که علت نزول آیه فوق آن بود که گاهی مردی عیال خود را می زد تا زن همه حقوق خود را اعم از مهریه و مخارج عده و غیره را حلال کند.

سوم: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» «طلاق 6» یعنی هرگاه زنان شما بچه های شما را شیر می دهند، می توانند از شوهر مزد بخواهند.

چهارم: اسلام سفارش کرده که برای حضانت و نگهداری اولاد مادران سزاوارترند و زن می تواند دختر را تا هفت سالگی و پسر را تا دوسالگی خود بزرگ نماید.

پنجم: «وَأَتَيْتُمُ احْدَاهُنَّ قَنْطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً» «نساء 20» یعنی مهر زن را باید مرد بدهد حتی اگر مهریه پوست گاوی پر از سکه طلا باشد!

ششم: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» «نساء 25» یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد.

هفتم: «وَأَنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمَا مِنْ أَهْلِهَا أَنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوْفِقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» «نساء 35» یعنی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین این دو را حل کنند.

هشتم: «فَامْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِأِحْسَانٍ» بقره 229 یعنی با زنان خوش رفتاری بنمائید و از آنها نکه داری کنید و اگر می خواهید طلاق بدهید به آنها ظلم نکرده و حق آنها را بدهید.

نهم: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً» «نساء 34» یعنی اگر زنان از شوهر اطاعت نکردند و ناشزه شدند، آنها را نصیحت کنید و اگر باز هم تمکین نکرد، در رختخواب به او پشت کنید و اگر باز هم عصیان نمود، آنها را (با چوب مسواک) بزنید!

دهم: «علی (ع): زن ریحانه است نه قهرمانه! پس با او در هر حالی مدارانما و مصاحب خوبی با او باش تا زندگیت صفا یابد.» «من لایحضره الفقیه ج 3 ص 556»

یعنی باید با زن با کمال احترام و احترام رفتار کرد و بویید! نه آنکه در زیر دست و پا نرم کرد و کویید!

یازدهم: طبق روایتی از رسول خدا (ص) به زنان اجازه داده شده که اگر شویش به او نفقه نداد، بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم: جهاد را از زنان برداشته و بجایش آنها را به حجاب، نقاب، سترو عفاف و حمل و رضع. تمشیت و تدبیر منزل فرمان داده است. که رسول خدا (ص) فرمود: جهاد زن خوب شوهر داری کمردن است.

سیزدهم: در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ دینی این چنین نیست. از جمله قبول توبه زن مرتد، تسهیل در تطهیر بول کودک در حال شیرخوارگی، اجازه خوردن روزه در رمضان نسبت به زن

حامله یا شیردهنده، اینکه مسجد زن خانه اش است، نفقه فرزندان بر مرد است نه زن و...

چهاردهم: زن با تقوا و مؤمنه و صالحه بر مردان بی تقوا برتری دارد.

پانزدهم: سفارش به اینکه دختر را به هم شانش شوهر بدهید و به آدم فاسق و بی نماز و بی دین شوهر ندهند که پیامبر فرمود: کسیکه دخترش را به شرابخوار شوهر بدهد، گویا او را به زنا و ادا کرده است.»

حجاب زن در اسلام

شهید مطهری نظرانی در مورد حجاب دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

«ریشه اصلی واجب بودن پوشش برای زن در اسلام، این است که اسلام می خواهد انواع لذت های بصری و لمسی و انواع دیگر لذت جنسی، محدود به محیط خانواده و در کادر ازدواج اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی که کار و فعالیت را با لذت جوئی های جنسی، بهم می آمیزند.»

«اسلام نمی گوید که زن از خانه بیرون نرود و نمی گوید که حق تحصیل علم و دانش را ندارد، بلکه علم و دانش را فریضة مشترک زن و مرد دانسته است. اسلام فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم نمی کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بی عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشاندن صورت و دستها، مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جوئی های شهوانی است.»

یکی از ایرادات به مسئله حجاب این است که حجاب موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشری است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن بشمار می رود. در جواب باید گفت که فرق است بین زندانی کردن زن و بین موظف داشتن او به اینکه در مواجهه شدن با مرد بیگانه، پوشش داشته باشد. اگر رعایت پاره ای از مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ نمایند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی را زندانی کردن و سلب آزادی نمی نامند. چطور اگر مردی با بدن برهنه از خانه بیرون آید، پلیس جلو او را می گیرد و به عنوان عمل منافی حیثیت اجتماعی او را جلب می کند، این کار پلیس را ضد آزادی و زندانی کردن، تلقی نمی کنند!

چهره زیبای اسلام

ریاست در اسلام

«هرگاه کسی مسئولیتی بر مسلمانان را به عهده بگیرد، در حالیکه می‌داند در میان مسلمین، برای پذیرش آن مسئولیت، شخصی نزدیک‌تر (به‌تر و شایسته‌تر) و به کتاب خدا و سنت من داناتر است، به خدا و رسول و امتش، خیانت کرده است.»

«علی (ع) در هنگام ورود به شهری فرمود: من با همین لباسهای کهنه و با همین اسب سواری وارد شهر شما شدم. اگر با چیزی بیش از این، از شهر شما بیرون رفتم، بدانید که در اموال خیانت کرده‌ام!»
«پیامبر (ص): خیر الناس من ینفع الناس و شر الناس من یضر الناس»
بهترین مردم شخص است که به مردم نفع و سود برساند و بدترین اشخاص کسی است که به مردم ضرر برساند.»

«پیامبر (ص): لا یرحم الله من لا یرحم الناس»
خدا رحم نمی‌کند به کسیکه به مردم رحم نمی‌نماید.»

«پیامبر (ص): کسیکه یکروز را بگذراند در حالی که بفکر امور مسلمین، نبوده است، از مسلمانان نیست.»

«پیامبر (ص): هرگاه رؤسای شما، خوبان بودند و ثروتمندان شما، سخاوتمند بودند و امور شما با مشورت انجام شد، روی زمین برای شما از دل زمین بهتر است. ولی اگر رؤسای شما، افراد شرور بودند و ثروتمندان شما، بخیل بودند و کارهای شما در دست زنانان بود، دل زمین برای شما از روی زمین بهتر است.»

ازدواج اسلام

مردی از مسلمانان فقیر بنام جویبر نزد پیامبر آمد و حضرت او را در مسجد اسکان داد و جز ((اصحاب صفه)) گردید.
روزی پیامبر (ص) خطاب به ((جویبر)) فرمود: ((چقدر خوب است که ازدواج کنی!!)).
جویبر: ((بابی انت و امی! من یرغب فی، فوالله ما من حسب ولا نسب ولا مال ولا جمال)).
پدر و مادرم فدای شما! کدام زن است که به من رغبت پیدا کند من نه اصل و تبار خوبی دارم، نه شرافت خانوادگی، نه مال و نه زیبایی)).
پیامبر (ص) فرمود: ((ان الله قد وضع بالاسلام من كان فی الجاهلیة شریفا و شرف بالاسلام من كان فی الجاهلیة و ضیعا)).
((خداوند به برکت اسلام، آنانی که در جاهلیت بزرگ و عزیز بودند، ذلیل و حقیر کرد و آنان که حقیر بودند، عزیز و بزرگ گرداند)).
آنگاه فرمود: ((اکنون به خانه ((زیاد بن لبید)) که شریف‌ترین مردم قبیله ((بنی بیاضه)) است، می‌روی و می‌گویی پیامبر دستور داده که دخترت، ((ذلفا)) را به عقد من درآوری)).
((جویبر)) وقتی وارد شد که ((زیاد بن لبید)) با جمعی از بستگان خود دور هم جمع بودند، گفت: ((پیامی از طرف رسول خدا (ص) دارم آشکارا بگویم یا خصوصی)).

چهره زیبای اسلام

زیاد بن لبید گفت: ((پیغام رسول خدا(ص) موجب افتخار است، آشکارا بگو)).
((جویر: پیامبر(ص) پیغام داده دخترت ذلفارا به عقد من در آوری)).
زیاد: ((پیامبر(ص) تو را برای ابلاغ این پیام نزد من فرستاده؟!)).
جویر: ((آری، من سخن دروغ به رسول خدا(ص) نسبت نمی‌دهم)).
زیاد: ((انا لا نزوج فتياتنا الا اكفائنا من الانصار)).
((به پیامبر عرض کن که ما دخترانمان را نمی‌دهیم مگر به طایفه انصار که همکفو و همشان ما باشند)).
((جویر)) برگشت: ((ذلفا)) که سخنان این دورا از پشت پرده می‌شنید، به پدرش گفت: هر چه زودتر جویر را از میان راه برگردان، زیرا او به پیامبر(ص) دروغ نمی‌بندد)).
((زیاد)) شخصا به محضر پیغمبر(ص) مشرف شد و همان جمله قبلی را تکرار کرد که ما دخترانمان را فقط به انصار می‌دهیم.
رسول خدا(ص) فرمود: ((جویر، مؤمن و المؤمن کفو للمؤمنة والمسلم کفو للمسلمة)).
((جویر، مؤمن است و مؤمن کفو مؤمنه و مرد مسلمان هم، کفو زن مسلمان است)).
((زیاد بن لبید)) به خانه برگشت و مطالب را به اطلاع دخترش رساند دختر گفت: پدر جان! این را بدان که مخالفست با فرمان پیامبر(ص) موجب کفر می‌شود، لذا به این ازدواج تن داد و مقدمات عروسی مهیا گشت و خانه‌ای هم با اسباب و لوازمات برای جویر تهیه شد و به شکرانه [\(\(۴۷\)\)](#) این نعمت تا سه شب جویر مشغول عبادت شد و بدینگونه حضرت ختمی مرتب با این ازدواج به تمام افکار جاهلیت، خط قرمز کشید و اعلان فرمود [\(\(۴۸\)\)](#) که: (ان اکرمکم عند الله اتقاکم)